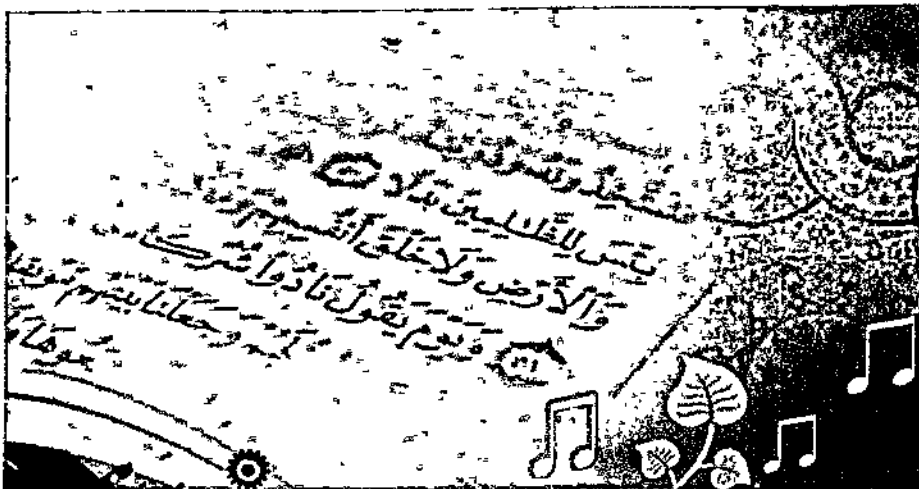


# آهنگ آیات قرآن سخن می گوید

تأملی در هنرورزی های کلامی قرآن

رضا بابایی، قرآن پژوه



خویش را در آن دیدند که تن به تسلیم دهند و در ترک مخاصمه با قرآن به توافق رسیدند.<sup>۱</sup>

ناگفته نماند که این مبارزه و جدال میان فصاحت قرآنی با توانایی عرب در شعر و شاعری، در عرصه لفظ و ظاهر بود. در عرصه معانی و حقایق قرآنی، در آن زمان و همه‌ی اعصار و روزگاران، قرآن بلامنازع است و در مراحل بعدی علاوه بر فصاحت و بلاغت به معانی نیز تخطی کرده است. به تعبیر امیرمؤمنان، حضرت علی (ع) قرآن ظاهری زیبا و درونی ژرف دارد و تخطی و مبارزه طلبی و هماور خواهی همان گونه که مربوط به ظاهر «انیق» است، به باطن «عمیق» قرآن نیز بستگی دارد.

إن القرآن ظاهره انیق و باطنه عمیق لا تفتنی عجائبه و لا تنقضی غرائبیه و لا تكشف الظلمات الا به!

ظاهر قرآن زیباست و باطن آن ژرف و ناپیداست. عجایب آن سپری نگردد و غرایب آن به پایان نرسد و تاریکی‌ها جز بدان زده‌ی نگردد.<sup>۲</sup>

نکته‌ی مهم آن است که قرآن، غیر از زبان معجزه‌گر خود، خصایص دیگری نیز دارد که از وجوه اعجاز آن شمرده می‌شوند. اما چرا خداوند به آن تخطی کرد؛ در حالی که اگر مثلاً به پیشگویی‌های قرآن یا گزارش اخبار گذشتگان و انبیا نیز تخطی می‌فرمود، نتیجه‌ی یکسانی داشت؟ چرا همه یا بیش‌تر تخطی‌ها و مبارزجویی‌های قرآن، مربوط به زبان و کلام است؟ پاسخ کامل و قانع‌کننده به این پرسش، چندان آسان و در گنجایش این نوشتار نیست؛ اما همین قدر می‌توان از این حقیقت قرآنی، دریافت که تحقیق در وجوه و خصایص کلام الاهی، ضرورت آشکار و خداپسندانه‌ای دارد؛ یعنی وقتی تخطی در نقطه‌ی زبان فرود می‌آید، یکی از حکمت‌ها و فواید آن، می‌تواند این باشد که همه‌ی نسل‌های اسلامی در همه‌ی اعصار، وظیفه

قرآن کریم بنیان گذاشته شد؛ زیرا اعجاز قرآن در آن است که چنان دلالت و ارشاد می‌کند که واقعی و رسا به همه‌ی مقتضیات احوال انسان است.<sup>۳</sup>

اگر معجزه حضرت موسی (ع) ابطال سحر و جادوگری بود، دلیلی جز این نداشت که قبطیان در این فن، به چنان کارایی و مهارتی رسیده بودند که پیش از آن سابقه نداشت و پس از آن نیز تکرار نشد. عیسی (ع) نیز با خود معجزه‌ای آورد که بتواند با آن مردم عصر خود را قانع و مطیع کند؛ زیرا هیچ فن و دانشی در میان مردمان عصر او به اندازه‌ی طب و طبابت، حرمت و ارج نداشت. وقتی نوبت به پیامبر خاتم (ص) رسید، معجزه‌های بزرگ «در عرصه بلاغت و بیان» صورت پذیرفت و این معجزه ایمان‌زا در زمانه‌ی به وقوع پیوسته<sup>۴</sup> که به گفته جاحظ:

«سلطرتین و بهترین و ارجمندترین امور از دیدگاه مردم عصر آن حضرت، حسن بیان و ساختن و پرداختن انواع سخنان شیوا و رسا بوده است. عرب‌های معاصر زمان بعثت، به این گونه سخنان آگاهی داشته، و از نظر زبان‌دانی و ساز کردن سخنان فصیح و بلیغ، مردمی بی‌همتا محسوب می‌شدند. آن‌گاه که فصاحت در میان آن‌ها به قله‌ی رفیع و استوار خود دست یافت، و بلاغت، رواج و رونقی بسزا کسب کرد، و شعرای آن‌ها رو به فرونی گذاشت و سخن‌وران با برتری کامل در میان همه‌ی اقوام و ملل، ممتاز و برجسته جلوه کردند، خداوند عزوجل آن حضرت را در میان انسان برانگیخت تا عجز آنان را در مقابله با عزم الاهی آشکار سازد».<sup>۵</sup>

اگرچه عرب‌های معاند و مخالف قرآن، سکوت نکرده و هر از گاه به اندیشه‌ی مقابله با قرآن، شعر و سخنی ساختند،<sup>۶</sup> اما در نهایت، صلاح و سرنوشت

## اشار

از میان قلب، عقل انسان، یکی مجذوب قرآن است و دیگری مخصوص آن خرد پای از دایره‌ی وحی بیرون نگذارد. مگر آن‌که در آیه گمراهی به جنون گراید. هنر، کاشف جذبه‌های دلربای قرآن است؛ و از راه به جایی برد و سایه توفیق بر آن داشته باشد، پرده از گوشه‌ی جمال قرآن ببرد و نظر باریان عالم معنیا را به تدابیر خواند. قرآن کریم، اگر مخزن عقل است گنج هنر نیز هست؛ نمی‌توان خرد را بدو سپرد، اما دل از او بزرگتر است؛ که اگر عقل را می‌افزاید، دل را نیز می‌تواند. هنر قرآن از بیرونی‌ترین سطوح هنر کلامی آغاز می‌شود و تا تهایی‌ترین لایه‌های سخن ذوق‌مندان پیش می‌رود.

تاریخ و محصول کاوش‌های هنری در الفاظ و معانی قرآن، گنجایی ده‌ها کتابخانه پر برگ و بار را دارد؛ اما آن چه در نوشتار حاضر، رقم خورده است، پرتوهایی نازک و اندک از محصولات پژوهش‌هایی است که از دیر زمان آغاز شده است و همچنان در راه است.

به هر روی کشف رابطه‌های پیدا و پنهانی که میان قرآن و هنر به معنای مطلق و معنوی آن وجود دارد، از بایسته‌های پژوهش در علوم انسانی است. آن‌چه پس از این مقدمه کوتاه خواهد آمد، اشاراتی معدود و گذرا به پاره‌ای از این دست رابطه‌ها است. تفصیل و تعمیق بیش‌تر را باید به قلم و تحقیق کسانی سپرد که هم دستی در علوم قرآنی و پژوهش‌های زبان‌شناختی دارند و هم قای اطلس دانش‌شان از هنر عاری نیست.

## قرآن و هنر کلامی

یکی از نویسندگان معاصر گفته است: چنین می‌نماید که خداوند دو گونه جهان آفریده است: با عناصر طبیعت را، و با کلمات، قرآن را. بدین رو، همان قدر که بحث درباره‌ی عناصر، دانشمندان طبیعی اهمیت دارد، تحقیق درباره‌ی کلمات و هنر کلامی قرآن، برای قرآن‌شناسان، مهم و معرفت‌افزا است. بی‌دلیل نیست که همین کتاب آسمانی، پس از آنکه بر دل و جان مسلمانان فرود آمد، منشاء انبوهی از علوم ادبی و زبانی شد و توجه همگان را به «کلمه» و ظرفیت‌های بی‌پایان آن جلب کرد؛ چنان‌که این خلدون می‌نویسد: باید بدانیم که این فن (علم بیان) تنها برای فهم و بازیابی وجه اعجاز

دارند، براره‌ی این خصلت از خصال قرآنی، تحقیق کنند و از این دریای گوهر خیز، همواره گنجینه شازده و بر قوام و غنای فرهنگ خود بیفزایند. امام طالق (ع) کلام الهی را جلوه‌گاه خدا می‌خواند و از همین کتبه می‌توان دریافت که جمال الهی را در این آینه بهتر می‌توان دید:

«لَقَدْ تَجَلَّى اللَّهُ لَخَلْقِهِ فِی کَلِمَةٍ وَ لَكُنْهُمْ لَا یُبْصِرُونَ»<sup>۱۲</sup> «تجلی خداوند بر آفریدگانش در کلام اوست؛ درینا که آنان نمی‌بینند».

نیز فرموده که زبان، پرده‌ی جان است. تا این پرده نچیند و ه کناری نرود، درگاه جان پدیدار نگردد: «الْمَرْءُ مَخْبُوءٌ تَحْتَ لِسَانِهِ»<sup>۱۳</sup>.

### اسلوب زبانی و اهداف قرآنی

هیچ شکی نمی‌توان کرد که بدون آشنایی با اهداف و آرمان‌های قرآن، سخن از اعجاز بیانی آن بی‌فایده است. هر گفتار یا نوشتاری اعم از شعر، کتاب، رساله، نامه، بخشنامه، مقاله و... باید اسلوبی برگزیند که با موضوع و فلسفه‌ی وجودی‌اش، همخوانی داشته باشد. در شعر، غزل یارای آن را ندارد که بار قصیده را بر دوش کشد و مثنوی از عهده‌ی تکلیف رباعی بر نمی‌آید و فضای آن را که می‌تواند در شعر نو به وجود آورد، در انواع شعر سنتی ممکن نیست. همین چندگانگی و ناهمسانی در نثر و گفتار مثنوی نیز وجود دارد. اصل کلی و فراگیر در هر نوشتاری، همخوانی و هماهنگی آن با انگیزه‌های نویسنده است.

وقتی قرآن را در کانون چنین توجه زبان‌شناسانه‌ی قرار می‌دهیم، درمی‌یابیم که این کتاب کریم و شیوا، تناسب‌های لازم را در حد اعجاز بر خود هموار کرده است. هر یک از سوره‌ها بلکه هر آیه‌ای از آیات، زبانی متناسب و همگون با هدف معانی خود دارد. برای پی بردن به این نوع تناسبات و همخوانی‌ها، کافی است به تفاوت زبانی آیات مکی با آیات مدنی، توجه کنیم. اگر آیات نازل شده در مکه، ضرب‌آهنگی ریتم‌وار و تند دارند، به تناسب اهداف و برنامه‌های هدایتی قرآن در آن مقطع زمانی است. در آیات مدنی، طمأنینه و دارازآهنگی خاصی وجود دارد که کاملاً متناسب با مباحث اجتماعی و تربیتی در محیطی استقرار یافته است. نمونه‌ی دیگر در رعایت تناسبات زبانی آرماتی را می‌توان در میزان و کیفیت حضور انواع ادبی در قرآن دید. در قرآن از میان همه‌ی فنون بنیادین سخن، مانند معانی، بیان<sup>۱۴</sup> و بدیع<sup>۱۵</sup> علم بیان حضور فراگیرتری دارد و کم‌تر از همه، بدیع را می‌توان یافت؛ زیرا: در میان سه فن یا دانش زبانشناسی سخن، بدیع برونی‌ترین فن یا دانش است. آرایه‌های بدیع در بسنجش با ترفندهای شاعرانه در بیان یا شگردها و شیوه‌های هنری که در معانی آرایه‌ها سخن می‌رود، کم‌تر نهادین و درونی و سترشتین است. با آرایه‌های بدیعی، بیش‌تر

برون و بیکره‌ی سخن را به زیور و آراسته می‌توان گردانید. هنرورزی‌های شاعرانه و سخن‌ورانه هر چه از بدیع دورتر می‌شوند، بیش‌تر با نهان سخن در می‌آمیزند و با نهاد آن سرشته می‌آیند.<sup>۱۶</sup> آرایه‌های بدیعی در قرآن، بسی کم‌تر از کاربرد فنون معانی بیانی است. مراد از بدیع صنایعی همچون جناس، ترصیع، ردالعجز علی الصدور و عکس آن، مراعات نظیر، ارسال مثل، تضامین، لف و نشر و مانند آن‌ها است. این گونه صنایع، در بیرونی‌ترین سطح سخن، خود را می‌نمایانند و چندان بر پرمایگی درون نمی‌افزایند.

آرایه‌های بدیعی، از آن روی که زیورهای بیرونی و بیکره‌ی سخن هستند و با سرشت و ساختار درونی آن در نمی‌آمیزند و فرو نمی‌تند، بایسته و ناگزیر در هنرورزی و زیبایی شمرده نمی‌شوند. سخن تبند و پرشور و زنده‌نمایی بنیادین و نهادین بدان‌ها نمی‌تواند داشت.<sup>۱۷</sup>

در میان همه‌ی آرایه‌های بدیع، در قرآن سجع را بیش از همه می‌بینیم؛ اما بیش‌تر در سوره‌های مکی، این نیز حکایت از اراده الهی در رعایت تناسبات زبانی آرماتی دارد. اگر سجع که صنعتی از صنایع بدیعی است، در آیات مکی قرآن بش از دیگر فنون بدیع به چشم می‌خورد، هم بدان رو است که در آن مرحله از نزول قرآن، مخاطبانی بودند که به این گونه هنرورزی‌های بیرونی و ظاهری، توجه بیش‌تری داشتند. هر چه به آیات مدنی و سوره‌هایی که در اواخر بعثت نازل شدند، نزدیک‌تر می‌شویم، صنایع و آرایه‌های لفظی قرآن درونی‌تر می‌شوند؛ زیرا مخاطب قرآن نیز در حال گذراز پوست به مغز است.

در میان نویسندگان بشری می‌توان کسان بسیاری را یافت که به تناسب و هماهنگی زبان آثار خود با مخاطب و موضوع کتاب خویش، توجه دارند؛ اما آنان که این تناسب را در همه‌ی فصول و بخش‌های کوچک و بزرگ کتاب خود رعایت کنند، بسی نادر و اندکند. در این گروه نادر و اندک نیز، نمی‌توان صاحب قلمی یافت که در این لحاظ و رعایت، توفیق چندانی یافته باشد؛ یعنی همراه با رشد مخاطب خود در طی مطالعه‌ی یک کتاب، در هر بخش از آن، زبانی ویژه و متناسب به همان مرحله را به موقع اجرا گذارد.

بدین ترتیب اگر قرآن در آیات مکی به فاصله یا همان سجع، اهمیت بیش‌تری داده است، به دلیل قریب‌العهد بودن مخاطبان با زبان مسجع و فاصله‌دار در فرهنگ زمانه‌ی خود است. روشن است که مخاطبان قرآن در مکه، همانانی هستند که سال‌ها گوش خود را به قصاید شاعران عرب سپرده بودند و به این نوع سخن که حاوی سجع و فاصله است، انس و عادتی شگفت داشتند. این عادت بعد از سال‌ها در مدینه کمرنگ می‌شود و مخاطبان قرآن این آمادگی و استعداد را می‌یابند که به آرای‌های درونی‌تر و زیبایی‌هایی نامرئی‌تر،

توجه بیش‌تری کنند. به همین‌رو، آیات مدنی، درونی‌تری از آرایه‌ها را در خود جای داده است. مطابقت اسلوب زبانی با اهداف و برنامه‌های قرآنی، دامنه‌ی گسترده‌ای دارد که مرزهای آن به کلمات و حتی حروف نیز کشیده می‌شود. بدین معنا که قرآن مجید، با توجه به معنایی که در آیه‌ی خاصی بیان می‌کند، حروف ویژه‌ای را نیز به کار می‌گیرد. تکرار حروف «ز»، «ح»، «ث»، «ل» در آیات سوره زلزال و بسامد حروفی مانند «تون» در آیاتی مانند «ان المتقین فی جنات و نهر» هماهنگی کاملی با محتوا و مفهوم آیات دارد. از این گونه همخوانی‌ها در قرآن بسیار است.

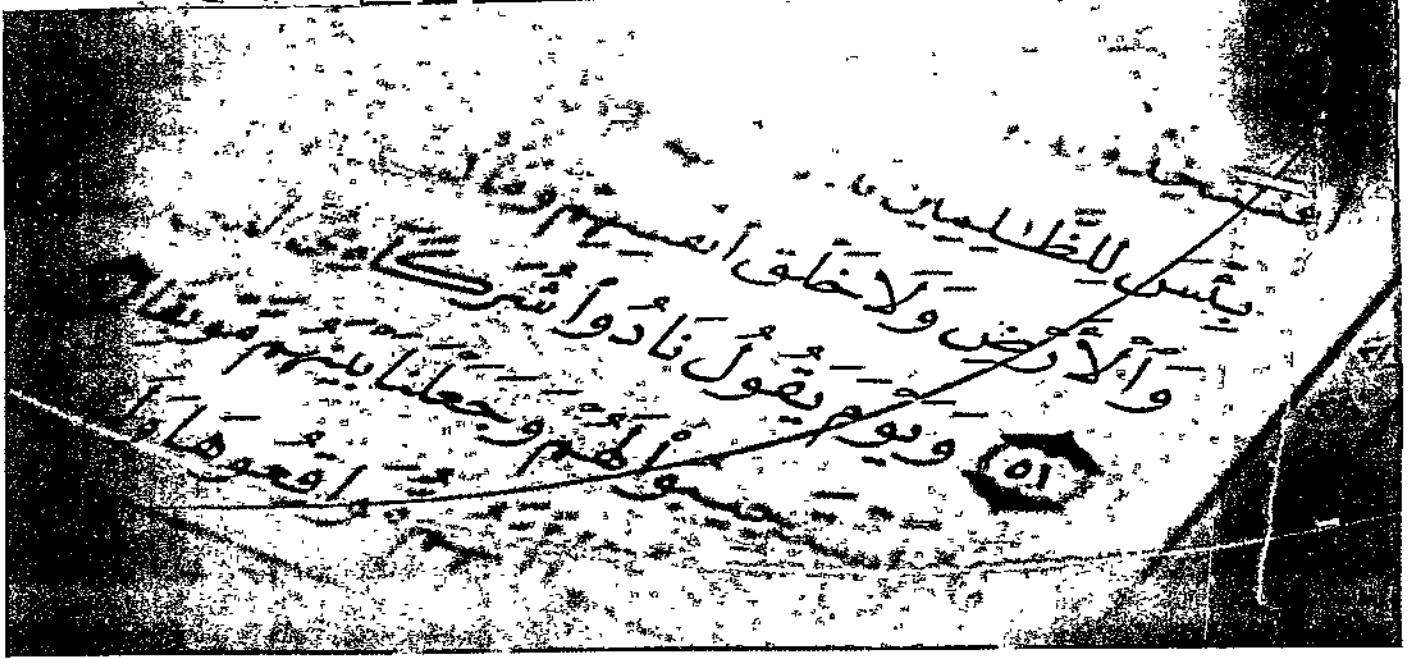
### قرآن از منظر زیبا شناختی

اگر قرآن که کلام الهی است، حظی وافر از جمال ربوبی نداشت و زیبایی در آن به اندازه‌ی صفت جمال در خداوند، موضوعیت و اهمیت نمی‌یافت، رسول گرامی اسلام (ص) نمی‌فرمود: «لَا مَن اشْتَقَّ الِی اللَّهِ فَلیَسْمَعَ کَلَامَ اللَّهِ»<sup>۱۸</sup> «گاه باشید که آن کس که شوق الله دارد، باید کلام او را بشنود».

خداوند که خود جمال مطلق است، سخن خود را نیز زیبا فرو فرستاده است تا نشانی از او باشد و گواهی صادق بر جمال بس جمیلش. مؤمنان، جلوه‌ی حسن خدای خود را در کتاب طبیعت می‌بینند و در دفتر شریعت (قرآن) نظاره می‌کنند. کتاب تکوین (طبیعت) و کتاب تشریح (قرآن) هر دو جلوه‌های حسن و اشارت‌های دل‌شکار حق هستند و یکی، گواه بر دیگری.

توجه به این زیبایی و اقرار دادن به برتری‌های لفظی قرآن، موقوف به ایمان نیست؛ یعنی مؤمنان به دلیل ایمان به قرآن، لفظ و بیان آن را زیبا نمی‌بینند؛ بلکه این زیبایی در ذات این اسلوب بیانی است و فهم و درک آن به مؤمنان و گروندگان اختصاص ندارد. هر سخن شناس زبان دانی این خصلت زبانی قرآن را می‌بیند؛ چنان‌که ولید بن مغیره، اخنس بن شریق و عمرو بن هشام (ابوجهل) نیز به یمن استراق سمع، از دل‌ریایی‌های قرآن حظ می‌برند.<sup>۱۹</sup> قرآن خود نیز از این گونه استراق ها و گوش دادن‌های دزدکی سخن گفته است.<sup>۲۰</sup> پس از نزول قرآن و بعد از قرن‌ها حضور فعال، دوست‌پرور و دشمن‌سوز قرآن در تاریخ بشری، سخن شناسان و مورخان از این تأثیر و زیبایی سخن گفته‌اند.<sup>۲۱</sup> گلدزیهر می‌نویسد: «هیچ اثر ادبی در جهان، در اعجاب عظیم و بی‌نظیری که قرآن برانگیخت، به پای آن نمی‌رسد».<sup>۲۲</sup>

«آربری»، مترجم قرآن به زبان انگلیسی، قرآن را برتر از هرگونه شاهکار ادبی شمرده است.<sup>۲۳</sup> و خود ترجمه‌ای از آن به دست می‌دهد که از آثار کلاسیک در ادبیات انگلستان به شمار می‌رود. جان دیون‌پورت، می‌نویسد: «سحر و جاذبه‌ای که در سبک انشای قرآن به کار رفته و لطف و روانی



آن، تحسین و اعجاب عرب را برانگیخت و نوا و عباراتش در ترسیم بهشت و جهنم، تکان دهنده است.<sup>۲۰</sup>

آن چه که یک زبان را هنری و مؤثر می کند، رعایت اصول و ضوابطی است که پاره‌ای از آن‌ها در علوم ادبی، تعریف و شناخته شده‌اند و پاره‌ای نیز همچنان بیرون از بحث‌های مدرسه‌ای و علوم بحثی مانده‌اند. از جمله امور و اصولی که زبان را به آوج‌های زیبا شناختی می‌رساند، شاخص‌های زیر است

### « آهنگ و موسیقیا

از همان آغاز نزول وحی، مسلمانان، به علم قرائت و تجوید اهمیت دادند و از نخستین علوم قرآنی، همین علم قرائت و تجوید است. از صدر اسلام تا کنون، قرآن با ویژگی «قرائت» شناخته می‌شده است؛ همان گونه که واژه «قرآن» نیز به همین معناست. قرآن پیش از آن که بر کاغذها نوشته شود، در صداها خود را آشکار کرد و هنوز زیبایی‌های قرآن در صوت و لحن، آشکارتر از فصاحتی است که قرطاس و قلم باز می‌تابانند. قرآن، قرائت آهنگین و ترتیل وار خود تأکید دارد و پیامبر گرامی (ع) از مسلمانان خواسته است که قرآن را به الحان عرب بخوانند تا جنبه‌ی موسیقایی آن آشکار تر شود: «اقروا القرآن بالحان العرب و اصواتها»<sup>۲۱</sup>

آهنگ و موسیقی در کلام، به هیچ قاعده و فرمولی در نمی‌آید؛ بر خلاف وزن در شعر که به سادگی قابل تدبیر و مدیریت است و می‌توان به کمک علم و عروض، وزن هر شعری را دریافت. عروض، علمی است که نشان می‌دهد چه بیتی داخل وزن و کدام بیت خارج از وزن است. اما چنین علمی برای آهنگ در نثر، تدوین و تکوین نشده است. تنها به کمک گوش و احساسات درونی است که می‌توان دریافت کدام جمله آهنگین، و کدام جمله، سنگلاخی است. هر قاری و شنونده‌ی قرآنی، این

آهنگ را در کلمات و عبارات قرآن می‌بیند و با همه‌ی قوای ادراکی و عاطفی خود، بر آن استدلال می‌کند.

قرائت موسیقایی قرآن، همواره معقول و مقبول بوده است. هر کتاب و دفتری را نمی‌توان به این سبک خوانده استعداده و پذیرایی و موسیقی در قرآن، بی‌نظیر است. سازواری و هماواری کلمات قرآن را در هیچ کتاب هنری دیگر نمی‌توان دید. زیبا شنایی شنیداری، نشاط انگیزترین حس آدمی است<sup>۲۲</sup> و این حس، از شنیدن یک یک آیات قرآن به انسان دست می‌دهد. عبارت لانه الا الله<sup>۲۳</sup> گرچه تکرار آن ما را از زیبایی و قدرت موسیقایی آن غافل کرده است، نمونه‌ی روشنی از این هنر قرآنی است.

«آوای دلکش از خاستگاه لا اوج می‌گیرد و با توانی حرف لام و تمذح هجایی جذابی، طنین می‌افکند و در پایان با الله استقرار می‌یابد همچنین است سنقونی پرشور ذ و ظ در آیه وَذَٰلِكَ لِسُنِّ اِنَّ ذَهَبَ مَغَاضِبًا قَطْرًا اَنْ لَنْ نَقْدِرَ عَلَيْهِ فَنَادَى فِي الظُّلُمَاتِ اَنْ لَّا اِلَهَ اِلَّا اَنْتَ سُبْحَانَكَ اِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِيْنَ»<sup>۲۴</sup>

بی‌دلیل نیست که هر مؤمنی در همه‌ی عمر خود، بارها و بارها آیات قرآن را می‌خواند و می‌شنود و هرگز گرد ملال بر خاطر او نمی‌نشیند؛ زیرا «زیبایی چیزی است که موجب حداکثر تحریک و حداقل خستگی اندام می‌گردد»<sup>۲۵</sup>.

اهتمام قرآن را به آهنگ باید از معجزات این کتاب آسمانی شمرد؛ زیرا از آن زمان تا کنون، به تازگی دریافته‌اند که آهنگ و زیر و بمی که در موسیقی جملات وجود دارد و همچنین کشش و طنین و درنگ در دلالت‌های زبان، چه نقیسی دارند<sup>۲۶</sup> این سخن فیلسوفان زبان که می‌گویند ما «در زبان زندگی می‌کنیم» نه با زبان، بیش از پیش اهمیت کارکردهای زبانی را در ابلاغ معنا و مفهوم نشان می‌دهد.

در این رهگذر است که روز به روز راز و رمز و

اشارات‌های بیشتری از غمزه و کرشمه‌ی آیات را احساس می‌کنیم. قرآنیان با مد له الاسماء الحسنی (حشر، آیه ۲۴) در آسمان صفات جلال و جمال الاهی اوج می‌گیرند، در آوای یسبح له (جمعه، آیه ۱ و ۲) سرود هستی و غلغله‌ی اجزای عالم را می‌شنوند، و با نفخ و صغیر «ف» و «ص» در نفخ فی الصور (زمر آیه ۶۸) بانگ شیپور بازپسین در گوش جانشان می‌پیچد، از نغمه تحیتهم فیها سلام (یونس، آیه ۱۰) بوی بهشت برین به مشامشان می‌رسد، در شدت کاف و بای متوالی فکبکبوا (شعراء، آیه ۹۴) به جای فکبوا صدای افکنده شدن دوزخیان در قعر آتش، و در صغیر و صوت بلند صاد و کاء و خای یصطرخون (فاطر، آیه ۳۷) به جای یصرخون نعره‌ها و ضجه‌های آنان را می‌شنوند از طنین حروف و اصطیر (مریم، آیه ۶۵) به جای و اصبر نیروی پایداری می‌گیرند. در قفله‌ی قاف‌های اذ یتلقى المتلقيان (ق، آیه ۱۷) بیم و پروا و تقوا در هستی‌شان می‌نشیند و آهنگ و المعاديات ضحبا فالعوريات قحدا صدای سَم اسبان مجاهدان و نفس‌های پی‌در پی را به سمعشان می‌رساند.<sup>۲۷</sup>

هر آیه از قرآن می‌تواند متن تصنیف زیبایی باشد که هم تولید موسیقی کند و هم در قالب یکی از الحان و دستگاه‌های موسیقی بگنجد لحن و آهنگ برخی از آیات، چنان قدرتمند و مؤثرند که شنونده را پیش از توجه به معنا، تحت تأثیر قرار می‌دهند. کیست که گوش‌ی سالم داشته باشد و آیات و سوره‌ی زلزلال را بخواند یا بشنود و بدون توجه به معانی آن‌ها، در نیابد که در این آیات، سخن از واقعه‌ای هولناک و عظیم است، بدین رو آیات، پیش از معانی خود به آهنگ خود سخن می‌گویند و موسیقی در قرآن، نه از باب تفتن و چاشنی، که از مقوله‌ی رسانه و ابزارهای زبان‌وری و ماورای زبانی است.

ادامه دارد...

\* بی‌نوشت‌ها در دفتر نشریه موجود می‌باشد